

بہ نامِ حُتِ راوند جانِ رُو



# خلق نظریه در مطالعات کیفی

(رویکردی کاربردی به نظریه زمینه‌ای)

دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی

استاد دانشگاه فردوسی مشهد

دکتر فردین محمدی

دکتر مهدی کرمانی

عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

سرشناسه: نوغانی دخت بهمنی، محسن، ۱۳۴۴ -  
 عنوان و نام پدیدآور: خلق نظریه در مطالعات کیفی (رویکردی کاربردی به نظریه زمینه‌ای) / محسن نوغانی دخت بهمنی،  
 فردین محمدی، مهدی کرمانی؛ ویراستار علمی احمدرضا اصغریور ماسوله.  
 مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات ۱۳۹۸.  
 مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص: مصور، جدول، نمودار.  
 فروست: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد؛ ۷۴۰.  
 شابک: ISBN: 978-964-386-430-9  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.  
 یادداشت: کتابنامه؛ نمایه.  
 موضوع: نظریه مبنایی  
 موضوع: علوم اجتماعی -- تحقیق -- روش‌شناسی.  
 شناسه افزوده: محمدی، فردین، ۱۳۶۵  
 شناسه افزوده: کرمانی، مهدی، ۱۳۶۱  
 شناسه افزوده: اصغریور ماسوله، احمدرضا، ۱۳۵۸ -، ویراستار.  
 شناسه افزوده: دانشگاه فردوسی مشهد، انتشارات.  
 رده‌بندی کنگره: H ۶۱/۲۴  
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۰/۷۲  
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۳۶۳۰۹

### خلق نظریه در مطالعات کیفی (رویکردی کاربردی به نظریه زمینه‌ای)

پدیدآورندگان: دکتر محسن نوغانی دخت بهمنی؛ دکتر فردین محمدی؛ دکتر مهدی کرمانی  
 ویراستار علمی: دکتر احمدرضا اصغریور ماسوله  
 ویراستار ادبی: مصطفی قندهاری  
 مشخصات: وزیری، ۱۰۰ نسخه، چاپ دوم، پاییز ۱۴۰۴ (اول، ۱۳۹۸)  
 چاپ و صحافی: همیار  
 بها: ۲/۶۰۰/۰۰۰ ریال  
 حق چاپ برای انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد محفوظ است.



#### مراکز پخش:

فروشگاه و نمایشگاه کتاب پردیس: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی مشهد، جنب سلف یاس  
 تلفن: ۳۸۸۰۲۶۶۶ - ۳۸۸۳۳۷۲۷ (۰۵۱)  
 مؤسسه کتابیران: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین روانمهر و وحید نظری، بن‌بست  
 گشتاسب، پلاک ۸ تلفن: ۶۶۴۸۴۷۱۵ (۰۲۱)  
 مؤسسه دانشیران: تهران، خیابان انقلاب، خیابان منیری جاوید (اردیبهشت) نبش خیابان نظری، شماره ۱۴۲  
 تلفکس: ۶۶۴۰۰۲۲۰ - ۶۶۴۰۰۱۴۴ (۰۲۱)

<http://press.um.ac.ir>

Email: [press@um.ac.ir](mailto:press@um.ac.ir)

## فهرست

۱۳	مقدمه
۱۷	فصل ۱: زمینه‌های تاریخی و نظری پیدایش نظریه زمینه‌ای
۱۸	مقدمه
۱۹	چیستی نظریه زمینه‌ای
۲۰	زمینه‌های تاریخی پیدایش نظریه زمینه‌ای
۲۳	زمینه‌های نظری پیدایش نظریه زمینه‌ای
۲۶	فرضه‌ای بنیادی نظریه زمینه‌ای
۲۶	تحوّل رویکردها در نظریه زمینه‌ای
۲۹	الف. رویکرد عینی‌گرایی
۳۵	ب. رویکرد برساخت‌گرایی
۳۹	انواع نظریه در نظریه زمینه‌ای
۴۰	خلاصه فصل
۴۱	تمرین
۴۳	فصل ۲: مبانی پارادایمی
۴۴	مقدمه
۴۴	چیستی پارادایم
۴۵	محورهای پارادایمی
۴۸	انواع پارادایم
۴۸	پارادایم برساختی تفسیری
۵۰	کاربرد استراتژی استقهامی در پارادایم برساختی تفسیری
۵۱	مبانی پارادایمی نظریه زمینه‌ای
۵۳	خلاصه فصل
۵۳	تمرین

۵۵	<b>فصل ۳: ارکان و مفاهیم پایه در نظریه زمینه‌ای</b>
۵۶	مقدمه
۵۶	ارکان نظریه زمینه‌ای
۵۸	مفاهیم کلیدی نظریه زمینه‌ای
۶۴	خلاصه فصل
۶۴	تمرین
۶۵	<b>فصل ۴: ورود به میدان</b>
۶۶	مقدمه
۶۶	گام‌های اصلی در نظریه زمینه‌ای
۶۶	مسئله‌یابی و طرح مسئله
۶۸	پرسش‌های پژوهش
۶۹	جایگاه نظریه، فرضیه، متغیرها و مفاهیم در نظریه زمینه‌ای
۷۱	میدان و جامعه مورد مطالعه
۷۱	گردآوری داده و ملزومات تکنیکی آن
۷۳	انتخاب نمونه و ملزومات تکنیکی آن
۷۸	تعیین حجم نمونه و ملزومات تکنیکی آن
۷۹	تحلیل داده و ملزومات تکنیکی آن
۸۴	وظایف پژوهشگر در نظریه زمینه‌ای
۸۸	خلاصه فصل
۸۹	تمرین
۹۱	<b>فصل ۵: فرایند کُدگذاری باز</b>
۹۲	مقدمه
۹۲	مراحل کُدگذاری باز
۹۹	تکنیک‌های تشخیص ابعاد مقوله‌ها
۱۰۳	مصاحبه دوم
۱۰۴	مفهوم‌سازی مصاحبه دوم
۱۰۹	تداوم گردآوری داده‌ها
۱۱۱	خلاصه فصل
۱۱۱	تمرین

۱۱۳	فصل ۶: فرایند کُد گذاری محوری.....
۱۱۴	مقدمه.....
۱۱۴	کُد گذاری محوری.....
۱۱۶	مرحلهٔ اول: مشخص کردن مقوله‌های اصلی و فرعی .....
۱۲۰	مرحلهٔ دوم: مدل پارادایمی .....
۱۲۱	مؤلفه‌های پارادایمی .....
۱۲۲	بُعد شرایط .....
۱۲۴	بُعد راهبرد عمل / تعامل .....
۱۲۴	بُعد پیامدها .....
۱۲۵	مثال کُد گذاری محوری .....
۱۲۹	مرحلهٔ سوم: جملهٔ ربط‌دهنده (قضیه‌سازی).....
۱۳۰	نمونه گیری ارتباطی .....
۱۳۲	ماتریس شرطی / پیامدی .....
۱۳۴	خلاصهٔ فصل .....
۱۳۴	تمرین .....
۱۳۷	فصل ۷: فرایند کُد گذاری گزینشی.....
۱۳۸	مقدمه.....
۱۳۸	اجزای کُد گذاری گزینشی .....
۱۳۸	بخش اول - یکپارچه سازی.....
۱۳۸	تعیین مقولهٔ هسته و تکنیک‌های آن .....
۱۴۴	مدل پارادایمی و مقولهٔ هسته .....
۱۴۴	بخش دوم - پالایش نظریه.....
۱۴۶	نمونه گیری افتراقی .....
۱۴۶	تعیین اعتبار یا صحت نظری .....
۱۴۷	مقایسه با ادبیات موجود .....
۱۴۷	شکل گیری نظریهٔ زمینه‌ای .....
۱۴۸	خلاصهٔ فصل .....
۱۴۹	تمرین .....

<b>فصل ۸: مرور انتقادی پژوهش‌های مرتبط با نظریهٔ زمینه‌ای در حوزهٔ مدیریت و جامعه‌شناسی ایران</b>	۱۵۱
مقدمه	۱۵۲
مشخصات منابع مطالعه‌شده	۱۵۶
مرور انتقادی منابع به تفکیک معیارها	۱۵۸
نقد و بررسی حوزه‌های علمی	۱۶۵
بحث و نتیجه‌گیری	۱۶۶
تمرین	۱۶۸
<b>فصل ۹: کاربرد نرم‌افزار در تحلیل‌های کیفی با تأکید بر روش نظریهٔ زمینه‌ای</b>	۱۶۹
مقدمه	۱۷۰
آغاز کار با نرم‌افزار	۱۷۱
ورود اسناد موردنظر به پروژهٔ جاری	۱۷۳
کدگذاری اسناد	۱۷۶
انتظام‌بخشی به کدها	۱۷۹
استراتژی‌های جست‌وجو در اسناد متنی	۱۸۱
بازخوانی اسناد و بازبینی کدگذاری‌ها	۱۸۴
تعریف متغیر برای اسناد و کدها	۱۸۵
خروجی‌های نرم‌افزار	۱۸۸
تحلیل‌های ترکیبی	۱۹۵
تعریف کاربر و انجام پروژه‌های مشترک	۱۹۸
استفاده از راهنماهای داخلی نرم‌افزار	۲۰۰
<b>منابع</b>	۲۰۳
<b>وبسایت‌های مرتبط با نظریهٔ زمینه‌ای</b>	۲۰۹
<b>نمایه</b>	۲۱۱

## فهرست جدول‌ها

جدول ۱- انواع مدل‌های اشباع در فرایند تحقیق.....	۷۹
جدول ۲- انواع کدگذاری بر مبنای رویکردهای نظریه زمینه‌ای.....	۸۳
جدول ۳- مفاهیم استخراج شده از مصاحبه.....	۹۵
جدول ۴- یادداشت مفاهیم استخراج شده.....	۹۶
جدول ۵- مقوله‌بندی مفاهیم استخراج شده از مصاحبه.....	۹۸
جدول ۶- یادداشت گدهای مقوله‌های استخراج شده.....	۹۸
جدول ۷- گروه‌بندی سؤالات ابعاد مقوله.....	۹۹
جدول ۸- مفاهیم استخراج شده از مصاحبه دوم.....	۱۰۵
جدول ۹- یادداشت‌های گد مفاهیم استخراج شده.....	۱۰۷
جدول ۱۰- مقوله‌بندی مفاهیم استخراج شده از مصاحبه.....	۱۰۸
جدول ۱۱- مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها.....	۱۱۹
جدول ۱۲- بُعدبندی مقوله‌ها بر اساس الگوی پارادایمی.....	۱۲۷
جدول ۱۳: بُعدبندی مقوله‌های شرطی بر اساس الگوی پارادایمی.....	۱۲۸
جدول ۱۴- فهرست و مشخصات آثار بررسی شده.....	۱۵۶
جدول ۱۵- تحلیل تحقیقات مبتنی بر نظریه زمینه‌ای بر اساس معیارهای فراروش.....	۱۶۴
جدول ۱۶- نتایج مرور انتقادی تحقیقات نظریه زمینه‌ای به تفکیک حوزه‌های علمی بر حسب درصد.....	۱۶۵

## فهرست شکل‌ها

- شکل ۱- فرایند تاریخی تحوّل رویکردهای نظری در نظریهٔ زمینه‌ای ..... ۲۸
- شکل ۲- مراحل نظریهٔ زمینه‌ای ..... ۳۸
- شکل ۳- سلسله‌مراتب پارادایمی ..... ۴۷
- شکل ۴- فرایند چرخه‌ای نظریهٔ زمینه‌ای ..... ۵۷
- شکل ۵- فرایند نمونه‌گیری نظری ..... ۷۸
- شکل ۶- فرایند نظریهٔ زمینه‌ای ..... ۸۴
- شکل ۷- مراحل تحلیل داده و نمونه‌گیری نظری ..... ۸۵
- شکل ۸- مقولهٔ اصلی و مقوله‌های فرعی در کُدگذاری محوری ..... ۱۲۱
- شکل ۹- مدل پارادایمی ..... ۱۲۵
- شکل ۱۰- مدل پارادایمی در مطالعهٔ پیامدهای نوسازی در منطقهٔ اورامان ..... ۱۲۸
- شکل ۱۱- مدل پارادایمی اصلاح‌شده در مطالعهٔ پیامدهای نوسازی در منطقهٔ اورامان ..... ۱۳۱
- شکل ۱۲- سطوح پیشنهادی استراوس و کوربین برای ماتریس شرطی ..... ۱۳۳
- شکل ۱۳- ارتباط مقولهٔ هسته و مقوله‌های فرعی در پیامدهای نوسازی در منطقهٔ اورامان ..... ۱۴۳
- شکل ۱۴- الگوی پارادایمی اصلاح‌شده براساس مقولهٔ هسته در مطالعهٔ پیامدهای نوسازی ..... ۱۴۵
- شکل ۱۵- فرایند مرور انتقادی تحقیقات مبتنی بر نظریهٔ زمینه‌ای ..... ۱۵۵

## فهرست تصاویر

- تصویر ۱- پنجره انتخاب کاربر و پروژه..... ۱۷۲
- تصویر ۲- پنجره مربوط به انتخاب محل ذخیره سازی پروژه..... ۱۷۲
- تصویر ۳- شمای کلی محیط کار نرم افزار مکس کیودی ای..... ۱۷۴
- تصویر ۴- ورود و ایجاد اسناد جدید به نرم افزار..... ۱۷۴
- تصویر ۵- ایجاد گروه سندی جدید..... ۱۷۵
- تصویر ۶- گزینه ویرایش در بالای پنجره جست و جوی سند..... ۱۷۶
- تصویر ۷- گزینه های مختلف برای کدگذاری در نرم افزار..... ۱۷۷
- تصویر ۸- گزینه های مکمل کدگذاری شامل انتخاب مشخصات کد و کدهای هایلایت..... ۱۷۹
- تصویر ۹- دسترسی به دستورات کپی و انتقال انتسابات کدها..... ۱۸۰
- تصویر ۱۰- پنجره جست و جوی لغوی..... ۱۸۱
- تصویر ۱۱- نمایی از منوی مکسدیکشو..... ۱۸۳
- تصویر ۱۲- امکان بازیابی و بازخوانی انتسابات کدها از طریق دو بار کلیک بر روی هر کد..... ۱۸۴
- تصویر ۱۳- امکان بازیابی و بازخوانی فرایند کدگذاری از طریق پنجره انتسابات بازیابیده..... ۱۸۵
- تصویر ۱۴- منوی تعریف متغیرها برای اسناد و کدها..... ۱۸۶
- تصویر ۱۵- پنجره مربوط به تعریف متغیرهای اسناد..... ۱۸۷
- تصویر ۱۶- منوی گزارش و گزینه ناشر هوشمند..... ۱۸۹
- تصویر ۱۷- دسترسی به گزینه های مربوط به خروجی های مختلف از منوی ابزارهای بصری..... ۱۹۰
- تصویر ۱۸- پنجره ترسیم نقشه های مکس..... ۱۹۳
- تصویر ۱۹- گزینه های منوی روش های ترکیبی..... ۱۹۵
- تصویر ۲۰- پنجره مربوط به انتخاب محل ذخیره سازی پروژه..... ۱۷۲
- تصویر ۲۰- دسترسی به پنجره تعریف و مدیریت سطوح کاربری از منوی پروژه..... ۱۹۹
- تصویر ۲۱- پنجره مدیریت کاربر..... ۲۰۰

## فهرست کادرها

- کادر ۱- آگاهی از مرگ خاستگاه تجربی نظریه زمینه‌ای ..... ۲۱
- کادر ۲- جدال نظری گلاسر و استراوس ..... ۲۷
- کادر ۳- کشف و ظهور: مفاهیم مکمل و بنیادی رویکرد عینی‌گرایی ..... ۳۰
- کادر ۴- زندگی‌نامه علمی بارنی گلاسر ..... ۳۳
- کادر ۵- زندگی‌نامه علمی انسلم استراوس ..... ۳۴
- کادر ۶- زندگی‌نامه علمی کتی چارمز ..... ۳۹
- کادر ۷- کدگذاری ..... ۸۰
- کادر ۸- راهبرد آغاز و پایان کدگذاری باز ..... ۱۱۰
- کادر ۹- روش تشخیص مقوله‌های اصلی و فرعی ..... ۱۱۸
- کادر ۱۰- درهم‌بافتگی شرایط ..... ۱۲۳
- کادر ۱۱- ملاک‌های انتخاب مقوله هسته ..... ۱۳۹
- کادر ۱۲- راهبرد پایان کدگذاری گزینشی ..... ۱۴۷

## مقدمه

جامعه‌شناسی مدرن آن‌گونه که در آثار اندیشمندان مؤسس این رشته علمی متبلور است، بر مطالعه روشمند پدیده‌های اجتماعی و انسانی تأکید دارد. از زمانی که آگوست کنت اثر مشهورش با عنوان *درس‌هایی درباره فلسفه اثباتی* را در سال ۱۸۴۲ منتشر ساخت تا به امروز تعداد زیادی از جامعه‌شناسان مشهور به طرح الگوهای خرد و کلان در باب بررسی و تحلیل مسائل و پدیده‌های اجتماعی پرداخته‌اند. هرچند رویکرد تجربه‌گرا و کمی‌گرای کنت که در رویکردهای تحلیلی دورکیم قوت و قدرتی کم‌نظیر یافت برای سال‌های طولانی بر سر مطالعات این رشته سایه سنگینی افکنده بود، اما به پشتوانه تلاش‌های رقیبی که به‌ویژه ریشه در افکار و ایده‌های جامعه‌شناس بزرگ آلمانی، ماکس وبر، از جمله تأکید او بر لزوم برقراری رویکرد تفهیمی در تبیین پدیده‌های اجتماعی داشت، مسیر امیدبخشی برای بررسی‌های کیفی گشود که تا به امروز شاخ‌وبرگ‌های فراوانی به خود دیده است. به طوری که در حال حاضر شاهد عرضه نظام‌مند مجموعه‌های متنوعی از روش‌های کیفی در کنار متدهای کمی پژوهشی در حوزه علوم اجتماعی هستیم.

در یک ارزیابی اجمالی و منصفانه می‌توان چند نقطه قوت را در مطالعات اجتماعی و انسانی برای روش‌های کیفی نسبت به روش‌های کمی برشمرد: نخست، روش‌های کیفی مجال گسترده‌ای به ظهور و بروز خلاقیت پژوهشگر در حین پیشبرد طرح پژوهشی‌اش می‌دهند؛ دوم، روش‌های کیفی از انعطاف‌پذیری بالایی برخوردارند که برای محقق امکان حفظ تناسب بین روش و مسئله پژوهش را در طول اجرای تحقیق فراهم می‌آورند و سومین نقطه قوت روش‌های کیفی نزدیکی بیشتر دریافت‌های نهایی حاصل از کاربستان به آن چیزی است که اندیشمندان علوم اجتماعی مایل‌اند در قامت نظریه به مخاطبان خود ارائه دهند. به عبارت دیگر، باب ایده‌پردازی‌های نظری در سیر انجام پژوهش‌های کیفی و به‌ویژه در مراحل پایانی آن باز است. مزیت دیگری که در روش‌های کیفی پژوهش نهفته است، ظرفیت بالای درهم‌آمیزی آن‌ها با یکدیگر و با برخی از تکنیک‌های کمی است که اجرای طرح‌های پژوهش ترکیبی را نیز ممکن می‌سازد.

تحول در روش‌های کیفی را می‌توان در سه عرصه مختلف شاهد بود. از حیث فلسفی رویکرد ایده‌آلیستی آلمانی را می‌توان خاستگاه و زمینه اصلی تحول در مبانی معرفتی پژوهش‌های کیفی به حساب آورد؛ روندی که با فلسفه پدیدارشناسی هوسرل و هایدگر به اوجی کم‌نظیر دست یافت و بعدها شاخه‌های متفاوتی از آن

در سنت فلسفی فرانسوی، آلمانی و انگلوساکسن، مسیرهای متنوعی را در پیش گرفت. به لحاظ تحولات روشی و تکنیکی نیز بررسی‌های مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی متون را می‌توان سرآغاز راهی دانست که به انبوهی از روش‌ها و تکنیک‌های مطالعاتی در ذیل کلان‌روش‌هایی از قبیل تحلیل روایت، تحلیل گفتمان، پدیدارشناسی، تحلیل نشانه‌شناسی و نیز نظریه زمینه‌ای منجر شده است. سومین عرصه تکاملی روش‌های کیفی مربوط به منابع داده‌ای و ابزارهای تحلیلی است که از منابع و ابزارهای سخت به سمت ابزارها و منابع نرم تبدیل و تحول یافته است تا آنجا که امروزه سهم زیادی از مطالعات کیفی، به تجزیه و تحلیل داده‌های انباشت شده در شبکه‌های اجتماعی مجازی و مبتنی بر ابزارهای یارانه‌ای اختصاص یافته است.

در این بین لویی استراوس و بارنی گلاسر در سال ۱۹۶۷ با انتشار کتاب "کشف نظریه زمینه‌ای: استراتژی‌هایی برای تحقیق کیفی" جریانی نوین در پژوهش‌های کیفی را پایه‌ریزی کردند که مدعی بود فرصت‌های تازه‌ای در راستای نظریه‌پردازی خردمقیاس پیش‌روی محققان علوم اجتماعی قرار می‌دهد. این دو پژوهشگر، نام رویکرد روش ابداعی خود را نظریه زمینه‌ای نهادند. این روش که ریشه در مشرب تفسیرگرا داشت و برخوردار از مبنایی پدیدارشناسانه بود، ادعا داشت که می‌توان از طریق تحلیل‌های کیفی ژرفانگر، تبیین‌های اقناع‌کننده‌ای از مکانیسم‌های برساخت واقعیت‌های اجتماعی ارائه داد و در ادامه از طریق ترکیب و درهم‌آمیزی این تبیین‌ها، نظام نظری و معنایی معینی را سامان داد. ماهیت منعطف و خلاقیت‌پذیر روش‌های کیفی، بعدها موجب شاخه‌شاخه شدن این جریان و ارائه الگوهای مختلفی در این زمینه شد که مهم‌ترین نمونه‌های آن را می‌توان در کار گلاسر (۲۰۰۲)، چارمز (۲۰۰۶) و استراوس و کوربین (۲۰۰۸) دید.

منابع موجود به زبان فارسی در زمینه روش نظریه زمینه‌ای را می‌توان در چند رده اصلی جای داد. گروهی از این آثار در قالب بخش یا فصلی از یک اثر عمومی در حوزه روش تحقیق کیفی، به معرفی این رویکرد پرداخته‌اند. برخی از آثار موجود در بازار کتاب ایران نیز ترجمه‌هایی گاه کامل و گاه ناقص از آثار نویسندگان صاحب‌نظر در این حوزه است که منحصراً به روش مذکور اختصاص دارد. در این بین برخی از تألیفات ارزشمند نیز در باب معرفی و شرح این روش مبتنی بر تجارب و دریافتهای پژوهشی استادان و محققان ایرانی در رشته‌های مرتبط در سال‌های اخیر منتشر شده است. کتاب پیش‌رو بیشتر به دسته اخیر نزدیک است. از این رو، ضمن دربرداشتن محتوایی به نسبت فراگیر که از مبانی فلسفی تا تکنیک‌های تحلیل مرتبط با روش نظریه زمینه‌ای را دربر می‌گیرد، به سنت ایرانی مطالعات کیفی وفادار بوده است.

بنابر تجربه‌های مؤلفان از حضور در تیم‌های پژوهشی دانشگاهی در رشته‌های مختلف (به‌عنوان مجری، همکار، راهنما و یا مشاور) که نظریه زمینه‌ای الگوی روشی حاکم بر آنها بوده است، در تنظیم مطالب این اثر به گونه‌ای عمل شده است تا امکان بهره‌گیری از آن توسط محققان حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی

و همچنین برخی حوزه‌های مرتبط در علوم پزشکی و پیراپزشکی فراهم باشد. علاوه بر این، ضمن کوشش برای رعایت نظم و توالی منطقی در مباحث ارائه شده، فصل‌بندی کتاب به صورتی است که هر خواننده به تناسب آموخته‌های پیشین و نیازهای حائر اولویت خود می‌تواند به مبحث مورد نظرش مراجعه و آن را به صورت مستقل مطالعه کند.

این کتاب دارای نه فصل مجزا است. در فصل اول و دوم به ترتیب مروری بر زمینه‌های تاریخی پیدایش نظریه زمینه‌ای و مبانی پارادایمی آن صورت گرفته است. فصل دوم به تعریف ارکان و مفاهیم کلیدی رایج در این حوزه روشی و فصل سوم به شرایط، الزامات و تکنیک‌های ورود به میدان پژوهش مبتنی بر روش مورد بحث اختصاص یافته است. سه فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی که در مجموع سهم عمده از روند تجزیه و تحلیل داده‌ها در روش نظریه زمینه‌ای مبتنی بر کاربری آنها است، در فصل‌های پنجم تا هفتم آورده شده است. در فصل هشتم مروری انتقادی بر مطالعات اجتماعی در ایران که با روش نظریه زمینه‌ای انجام شده‌اند، ارائه می‌شود و بالاخره در فصل نهم نحوه به کارگیری نرم‌افزارهای کامپیوتری در تحلیل داده‌های کیفی با تمرکز بر نرم‌افزار مکس کیودی‌ای، بررسی شده است. امید آن می‌رود که این مجموعه مطالب، انتظارات خوانندگان محترم را برآورده سازد و در راستای تقویت دانش و ارتقای مهارت‌های ایشان در پیشبرد پژوهش‌های کیفی، مؤثر واقع شود.

در پایان نویسندگان لازم می‌دانند از تمامی همراهان ارجمندی که در مسیر شکل‌گیری ایده‌های نخستین تا تألیف و انتشار این اثر آن‌ها را به شیوه‌های مختلف یاری رسانده‌اند، قدردانی کنند. به ویژه تشکر ویژه خود را از آقای دکتر احمد رضا اصغرپورماسوله که زحمت ویراستاری علمی کتاب را متقبل شده‌اند، آقای مهندس قندهاری بابت ویراستاری ادبی کتاب و نیز مدیر و کارکنان محترم مدیریت نشر آثار علمی دانشگاه فردوسی مشهد به جهت آماده‌سازی، چاپ و نشر اثر ابراز می‌دارند.

# زمینه‌های تاریخی و نظری پیدایش نظریه‌ی زمینه‌ای

## اهداف فصل

از خواننده محترم انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتواند:

- ۱- با سیر تاریخی نظریه‌ی زمینه‌ای آشنا شود.
- ۲- خاستگاه نظری و جدال‌های نظری صاحب‌نظران نظریه‌ی زمینه‌ای را بشناسد.
- ۳- تعاریف نظریه‌ی زمینه‌ای را مرور و جمع‌بندی کند.
- ۴- اهداف نظریه‌ی زمینه‌ای را بشناسد.
- ۵- از رویکردهای مرتبط با نظریه‌ی زمینه‌ای و ویژگی‌های آن‌ها آگاهی یابد.
- ۶- با انواع نظریه در نظریه‌ی زمینه‌ای و ویژگی‌های آن‌ها آشنا شود.

## مقدمه

«نظریه زمینه‌ای» معادل اصطلاح انگلیسی گراند تئوری<sup>۱</sup> است. برای این اصطلاح در زبان فارسی معادل‌هایی مانند نظریه مبنایی، نظریه داده‌بنیاد، نظریه زمینه‌ای، تئوری مفهوم‌سازی بنیادی، متدولوژی رویش نظریه‌ها، نظریه بنیادی و گراند تئوری ارائه شده است.<sup>۲</sup> البته اصطلاح نظریه زمینه‌ای به دلیل آنکه به لحاظ لغوی با معادل انگلیسی آن قرابت بیشتری دارد و همچنین از آنجا که بیانگر نظریه‌ای است که از بطن داده‌ها (زمینه) شکل گرفته است، معادل مناسب‌تری است. خاستگاه اصلی این روش‌شناسی در حوزه پزشکی و روان‌شناسی بالینی است (اندروس، ۲۰۱۵: ۸-۱)، ولی به دلیل انعطاف‌پذیری فوق‌العاده، به شکل گسترده‌ای در سایر رشته‌ها نیز گسترش یافته است.

نظریه زمینه‌ای روش‌شناسی<sup>۳</sup> ویژه‌ای است که توسط گلاسر و استراوس<sup>۴</sup> با هدف نظریه‌سازی<sup>۵</sup> از داده‌ها ابداع شد. در واقع این نظریه روشی برای کشف نظریه‌های جدید بر مبنای شواهد و مدارک است (نیومن، ۱۹۹۹: ۱۴۷). «نظریه زمینه‌ای» یکی از مهم‌ترین روش‌های رویکرد کیفی است که از اهمیت قابل توجهی برخوردار است (لینگارد و همکاران، ۲۰۰۸: ۴۵۹). دلیل این نام‌گذاری آن است که هدف غایی، تولید نظریه جدیدی است که مبتنی بر داده‌های گردآوری شده از مشارکت‌کنندگان درباره تجربیات زندگی‌شان در یک بستر اجتماعی می‌باشد (فسینجر، ۲۰۰۵: ۱۵۷).

منشأ نظری نظریه زمینه‌ای به رویکرد کنش متقابل نمادین<sup>۶</sup> برمی‌گردد که براساس آن مردم واقعیت‌هایشان را از طریق تعامل‌های اجتماعی‌ای که در آن از نمادهای مشترک استفاده می‌کنند، برمی‌سازند. محققان نظریه زمینه‌ای بر بستر و زمینه اجتماعی جهت فهم جهان اجتماعی تأکید می‌کنند. به همین دلیل آن‌ها معتقدند که معنای یک کنش اجتماعی وابسته به زمینه اجتماعی است که در آن، واقعه مورد نظر رخ داده است (نیومن، ۲۰۰۶: ۸۹). نظریه پردازان نظریه زمینه‌ای معانی ایجاد شده در تعامل اجتماعی را جست‌وجو و برای کشف تلاش می‌کنند تا این موضوع را کشف کنند که چطور گروه‌هایی از مردم واقعیت را بر مبنای فهم حاصل از تعامل‌های اجتماعی تعریف می‌کنند (فسینجر، ۲۰۰۵: ۱۵۶).

### 1. Grounded theory

۲- ذوالفقاریان و لطیفی در کتاب *نظریه پردازی داده‌بنیاد با NVivo8* از اصطلاح نظریه داده‌بنیاد، بیوک محمدی در کتاب *درآمدی بر روش تحقیق کیفی از اصطلاح نظریه مبنایی*، ابراهیم افشار در ترجمه کتاب *مبانی پژوهش کیفی از اصطلاح نظریه زمینه‌ای و محمدتقی ایمان* در کتاب *روش‌شناسی تحقیقات کیفی از اصطلاح نظریه بنیادی به جای اصطلاح انگلیسی گراند تئوری* استفاده کرده‌اند.

### 3. Methodology

### 4. Glaser & Strauss

### 5. Theory Building

### 6. Symbolic interactionism approach

نظریه زمینه‌ای یک روش‌شناسی است که براساس داده‌هایی که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآوری و تحلیل شده‌اند، نظریه‌ای را استخراج می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۱-۳۴). به عبارت دیگر، نظریه زمینه‌ای یک روش استقرایی است که از داده‌هایی که به طور منظم از پژوهش اجتماعی به دست می‌آید، نظریه تولید می‌کند (گلاسر و استراوس، ۱۹۶۷؛ استراوس و کوربین، ۱۳۹۱). مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن داده‌ها هم‌زمان با گردآوری داده و تحلیل اولیه داده‌ها اتفاق می‌افتد. همین امر این روش را انعطاف‌پذیر می‌سازد و اجازه می‌دهد که داده و نظریه در تعامل با هم باشند (نیومن، ۲۰۰۶: ۸۹).

### چیستی نظریه زمینه‌ای

چارمز و بریانت<sup>۱</sup> (۲۰۱۰: ۴۰۶) معتقدند که نظریه زمینه‌ای دو معنای مرتبط به هم دارد که عبارت‌اند از:

- استراتژی روش‌شناختی: یک مجموعه از استراتژی‌های روش‌شناختی منظم که یک روش متمایز برای هدایت تحقیق و تحلیل استقرایی داده‌ها را شکل می‌دهد.
- نظریه مبتنی بر داده: یعنی یک نظریه به دست آمده از یک مجموعه از استراتژی‌های روش‌شناختی منظم. همان‌طور که قبلاً بیان شد، هدف نظریه زمینه‌ای تولید نظریه مبتنی بر داده است. تولید نظریه مبتنی بر داده‌ها (نظریه زمینه‌ای) به معنای آن است که اکثر مقوله‌ها، مفاهیم و فرضیه‌ها نه تنها از داده‌ها استخراج و کشف می‌شوند، بلکه در تحقیق نیز به طور نظام‌مند در ارتباط با داده‌ها قرار می‌گیرند. این مفاهیم، مقوله‌ها و فرضیه‌ها صرفاً در فرایند تحقیق آزموده نمی‌شوند، بلکه در ارتباط با داده‌ها و در فرایندی مشتمل بر آزمون و خطا طرح می‌شوند. از این رو، ساخت نظریه زمینه‌ای فرایندی در حال شدن، دورانی و مارپیچی است (محمدپور، ۱۳۸۹ الف: ۳۱۴). بنابراین، هدف این روش «کشف کردن» آن چیزی است که به دنبالش هستیم تا فرض کردن آنچه که باید به دنبالش باشیم (اورکارت و فرناندز، ۲۰۱۳: ۲۲۵).

در روش نظریه زمینه‌ای پژوهشگر تحقیق را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد، شروع نمی‌کند (مگر آنکه منظور او بسط یک نظریه موجود باشد)، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گردآوری می‌کند، پدیدار شود. چنین نظریه‌ای که از داده‌ها استخراج شده است، نسبت به نظریه‌هایی که بر مبنای قوه تخیل یا صرفاً حدس و گمان تدوین شده‌اند، به واقعیت نزدیک‌تر است. نظریه‌های زمینه‌ای به سبب آنکه از داده‌ها بیرون کشیده می‌شوند، بیشتر می‌توانند بصیرت‌افزا باشند و فهم را تقویت کنند و راهنمای عمل شوند (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۳۴). بنابراین گلاسر و استراوس به عنوان بنیان‌گذاران این روش‌شناسی در تلاش بوده‌اند تا «گسست بین نظریه و تحقیق تجربی» را برقرار کنند.

نظریه زمینه‌ای، روشی برای کشف یک نظریه جدید است که در آن محققان پدیده‌های متضاد را به منظور

1. Charmaz & Bryant

اتخاذ مشابهت‌های آن‌ها مورد بررسی و مقایسه قرار می‌دهد (نیومن، ۲۰۰۶: ۳۱). بنابراین هدف نظریه‌ زمینه‌ای تولید و ساخت یک نظریه است که به شواهد وفادار و پایبند است. در این راستا اوس<sup>۱</sup> (۲۰۰۱: ۶۵۵) معتقد است که نظریه‌ زمینه‌ای دو هدف را دنبال می‌کند:

- تولید مدل تفسیری فرآیندهای اجتماعی که بر داده‌های واقعی مبتنی است.

- ساخت نظریه‌ زمینه‌ای و اصلاح نظریه‌های موجود

### زمینه‌های تاریخی پیدایش نظریه‌ زمینه‌ای

نظریه‌ زمینه‌ای از همکاری موفقیت‌آمیز دو جامعه‌شناس امریکایی به نام‌های بارنی گلاسر و آنسلم استراوس در خلال مطالعات‌شان در مورد مرگ در بیمارستان‌ها ظهور کرد (چارمز، ۲۰۰۶: ۴). سؤال کلیدی آن‌ها در این مطالعه این بود که آیا مردم قبل از اینکه از حیث زیستی بمیرند، مرگ اجتماعی که ریشه در روابط انسانی دارد را تجربه می‌کنند (گلاسر و استراوس، ۲۰۱۷: ۳۲). این مطالعه که حاصل تحقیقات مشترک این دو اندیشمند درباره‌ تجربه بیماران در حال مرگ بود، در سال ۱۹۶۵ در کتاب مشهور *آگاهی از مرگ*<sup>۲</sup> منتشر شد؛ دو سال بعد گلاسر و استراوس کتاب *کشف نظریه‌ زمینه‌ای* را بر پایه‌ روش‌شناسی مورد استفاده در کتاب *آگاهی از مرگ* منتشر کردند.

گلاسر و استراوس این روش را یکی از بنیادی‌ترین کشف‌های روش‌شناختی در علوم اجتماعی قلمداد کردند که می‌تواند به بازتولید معرفت متقن و باورپذیر منتهی شود (محمدپور، ۱۳۸۹ الف: ۳۱۳).

پیدایش اولیه این روش در دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده، ریشه در دوره‌ای دارد که پارادایم اثبات‌گرایی<sup>۳</sup> بر علوم اجتماعی مسلط بود و اندیشمندان این رویکرد، تحقیق کیفی و رویکرد تفسیری را عمدتاً به‌منابه رویکردی توصیفی، داستان‌گونه و یک تحلیل روایتی و غیرسیستماتیک در نظر می‌گرفتند (چارمز، ۲۰۰۶: ۵) و آن را فقط برای تحقیق اکتشافی یا برای ابزارهای کمی دقیق مفید می‌دانستند (چارمز و بریانت، ۲۰۱۰: ۴۰۶). از نظر گلاسر و استراوس، دو فرایند نظریه‌آزمایی اثباتی و نظریه‌سازی تفسیری از اهمیت برابری برخوردارند و ارتباط نزدیکی با هم دارند (محمدپور، ۱۳۸۹ الف: ۳۱۴). به همین خاطر آن‌ها سعی کردند که تحقیقات کیفی را فراتر از یک رویکرد توصیفی ببرند (چارمز، ۲۰۰۶: ۶). بعد از مطالعات طولانی، گلاسر و استراوس به این نتیجه رسیدند که نظریاتی که در پژوهش‌های کمی مورد استفاده قرار می‌گیرند، برای مطالعه شرکت‌کنندگان در پژوهش نامناسب هستند؛ زیرا اکثر این نظریات از طریق تجربه به‌دست نیامده‌اند و بیشتر

1. Eaves  
2. Awareness of Dying  
3. Positivism paradigm

بنیادهای فلسفی و عقلانی دارند. در این راستا، گلاسر و استراوس روش «نظریه زمینه‌ای» که پدیدار شده از تجربه است را ابداع و بیان کردند که این روش می‌تواند نقش مهمی در پر کردن شکاف میان نظریه و پژوهش‌های تجربی ایفا کند (گلاسر و استراوس، ۱۹۶۷: ۲). آن‌ها بر این نکته کلیدی تأکید کردند که ما به تولید نظریه‌هایی نیاز داریم که ناشی از (و دقیقاً همخوان با) تحقیق اجتماعی باشد؛ زیرا به باور آن‌ها این گونه نظریه‌ها کارآمدتر از نظریه‌هایی است که بر پایه منطق قیاس از پیش فرض‌ها به دست می‌آید (همان، ۶). بر همین اساس، به انتقاد از روش‌های مسلط تحقیق جامعه‌شناختی در دهه ۱۹۶۰ پرداختند و در کتاب کشف نظریه زمینه‌ای فرضیه‌های زیر را به چالش کشاندند:

- این باور که تحقیق کیفی غیرمنظم و مبتنی بر احساسات است.
- این فرضیه که تحقیق کیفی نمی‌تواند نظریه تولید کند.
- این باور که تحقیق کیفی و کمی تقسیم‌دلبخواهانه بین نظریه‌های تحقیق است (چارمز، ۲۰۰۶: ۶).

#### کادر ۱- آگاهی از مرگ خاستگاه تجربی نظریه زمینه‌ای

در دهه ۱۹۶۰ بسیاری از مردم در کشور آمریکا دوست داشتند که در بیمارستان‌ها یا خانه‌های پرستاری بمیرند. استراوس و گلاسر در سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۰ در راستای همین موضوع یک مجموعه تحقیقات دربارهٔ بیماران رو به مرگ انجام دادند. هدف این بود که با مشارکت در مراقبت‌های پایان زندگی بیماران، به چگونگی تأثیرپذیری آن‌ها از سطوح آگاهی از فرایند مرگ پی ببرند. این تحقیق دربرگیرندهٔ مجموعه‌ای از مشاهدات و مصاحبه‌ها در شش بیمارستان در کشور آمریکا بود. آن‌ها پرستارها و کارمندان بیمارستان را در حین کار مشاهده می‌کردند و با آن‌ها و بیماران دیدار و مصاحبه می‌کردند. گلاسر و استراوس به جای بیماران، بر تعامل بین کارمندان بیمارستان و بیماران تأکید کردند و به جای نگرش به مرگ، بسترها و زمینه‌های آن را مورد بررسی قرار دادند (اندروس، ۲۰۱۵: ۸-۱). آن‌ها مشاهده کردند که در یک بیمارستان بیماران درمان‌ناپذیر چگونه و چه زمانی از مرگ خود آگاهی می‌یابند، چگونه با آگاهی از مرگ خود، خود را مدیریت می‌کنند و در نهایت مرگ بیماران رو به مرگ چگونه اتفاق می‌افتد (چارمز، ۲۰۰۶: ۴). آن‌ها داده‌های گردآوری شده را تحلیل و تحلیل نظری ابتدایی خود را دربارهٔ آن‌ها یادداشت می‌کردند. سپس ایده‌های تحلیلی را در مصاحبه‌های بعدی بررسی و یادداشت‌های ابتدایی خود را با مشاهده‌های تحلیلی خود در میدان تغییر می‌دادند (همانجا). نتایج بیانگر چهار زمینه آگاهی متمایز بود که عبارت‌اند از: آگاهی نزدیک یا بسته، آگاهی قابل شک و تردید، آگاهی تظاهر دوگانه و آگاهی باز (اندروس، ۲۰۱۵: ۸-۱). در نهایت نتایج (بخشی از) این تحقیقات در کتاب *آگاهی از مرگ به شکل نظریه زمینه‌ای* در سال ۱۹۶۵ منتشر شد. این کتاب به لحاظ تاریخی بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا اولین کتاب نظریه زمینه‌ای است که در تاریخ علم منتشر شده است.

این کتاب اولین مونوگرافی از مجموعه چهارگانه مونوگرافی‌هایی است که توسط «بنیاد ملی سلامت» مورد حمایت مالی قرار گرفت (گلاسر و استراوس، ۲۰۱۵: ۳۲).

بنابراین، نظریه زمینه‌ای نقش مهمی در ایجاد و دفاع از انقلاب کیفی که در اواخر دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، ایفا کرد (چارمز و بریانت، ۲۰۱۰: ۴۰۷). از دهه ۱۹۷۰ به بعد «نظریه زمینه‌ای» به مثابه یکی از نحله‌های روش‌شناختی رویکرد برساختی تفسیری<sup>۱</sup> علیه رویکرد عینی‌گرا<sup>۲</sup> (اثباتی، عقلانیت انتقادی) که با فرض اصالت محیط - ساخت و اتخاذ رویکرد فرضیه‌ای - قیاسی به آزمون نظریه‌ها می‌پرداختند، واکنش نشان داد و ضمن رد اصول نظری رویکرد اثباتی، بر منطق رویکردهای تفسیری - برساختی و به‌ویژه بر رویکرد کنش متقابل نمادین مید و بلومر در درک و تفهیم جهان اجتماعی و کاوش در فرایندهای اجتماعی و تعاملی در حال ساخته‌شدن توسط عامل‌های اجتماعی تأکید کرد.

از دهه ۱۹۷۰ به بعد تا به امروز دیدگاه‌های مختلفی در مورد نظریه زمینه‌ای مطرح شده است؛ به طوری که در دهه‌های گذشته این روش‌شناسی در ابعاد و زمینه‌های مختلفی رشد و گسترش یافته است. بنولیل<sup>۳</sup> در بررسی توسعه و گسترش نظریه زمینه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی و پرستاری چهار دوره متمایز را از یکدیگر تفکیک می‌کند. او دهه ۱۹۶۰ را «دهه اکتشاف» می‌نامد؛ زیرا در این دهه نظریه زمینه‌ای به‌عنوان یک روش تحقیق عمده در جامعه‌شناسی مطرح شد. دهه ۱۹۷۰ «دهه توسعه نظریه زمینه‌ای» است؛ زیرا در این دهه سمینارها و همایش‌های متعددی پیرامون نظریه زمینه‌ای مطرح گردید و از انجام تحقیقات تحصیلات تکمیلی در استفاده از این روش حمایت شد. به‌همین دلیل در طول این دهه نظریه زمینه‌ای نه تنها در جامعه‌شناسی، بلکه در پرستاری نیز پذیرفته شد (بنولیل، ۱۹۹۶؛ اورکارت و فرناندز، ۲۰۱۳: ۲۲۵). دهه ۱۹۸۰ «دهه انتشار» آثار گوناگون پیرامون نظریه زمینه‌ای است؛ زیرا در این دوره محققان ورزیده و مراکز علمی بر نشر و گسترش نظریه زمینه‌ای متمرکز شدند. دهه ۱۹۹۰ به بعد نیز به «دهه تمایز» و معرفی نظریه زمینه‌ای به‌عنوان یک روش تحقیقاتی مهم در توسعه نظریه‌سازی معروف است. در این دهه نظریه زمینه‌ای به‌مثابه مؤثرترین روش برای تحقیق کیفی در علوم اجتماعی توصیف و معرفی شد (فسینجر، ۲۰۰۵: ۱۵۶؛ ایمان، ۱۳۹۱: ۷۱).

به‌طور کلی، این روش‌شناسی از زمان پیدایش به‌طور مداوم از طریق بحث‌های فراوان در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های خود با دیگر رویکردهای تحقیق، توسعه یافته است؛ به طوری که به تدریج در ریشه‌های جامعه‌شناسی اش گسترش پیدا کرد و به‌طور گسترده توسط محققان سایر رشته‌ها به‌ویژه در حوزه سلامت، آموزش، تجارت، گرایش‌های روان‌شناسی از قبیل روان‌شناسی محیطی و سازمانی و روان‌شناسی اجتماعی پذیرفته شد (فسینجر، ۲۰۰۵: ۱۵۶).

---

1. Constructivism  
2. Objectivism  
3. Benoliel